

## صدیقه جوان قربانی جنایت طالبان آشوبگر و خشونت طلب شد

ویدیوی سنگسار صدیقه جوان راکه با چادری در حفره زمین نشسته بود و اطراف این زن بدبخت را یک تعداد از اهالی منطقه که سنگ های به بزرگی یک مشت انسان در دست داشتند و بسوی این زن بخت برگشته حواله مینمودند بطور حتم در صفحات وبسایت های افغانی مشاهده نمودید و در پای عمل سنگسار حتی یک مرد بی خرد به زن جوان که از شدت درد زخم های سنگسار بخود و بیجید نزدیک شده و با تفنگ دست داشته در سروصورت این زن دوفیر نمود و به زندگی اش خاتمه داد به تعقیب آن جوانی را که مشک های آن بسته بود نیز در همان محل مانند صدیقه جوان سنگسار نمودند .

تماشای هر دو صحنه چنان تکان دهنده ، وحشت زا و یک واقعه دلخراش بود که انسان را خیلی متاثر و حتی وضع بیننده ها را منقلب و آشفته خاطر ساخت ، هیچ به تخیل یک انسان نمی گنجد که در قرن بیست و یکم چنان یک عمل شنیع و جنایت آمیز در دورترین و منزوی ترین منطقه جهان به وقوع بپیوندد . اهالی بی خرد منطقه نیز که بنا به فتوای کور کورانه یک ملای بی سواد که خود را پیرو طالب میدانند و روش مذهب خشونت طلب و هابی را تعقیب میکند این عمل را انجام دادند در این جنایت شریک بوده و بانئست از روی ویدیو هر یک آن شناسائی و به جزای اعمال ناشایست خویش برسند ، با تاسف عمیق در این جمعیت حتی یک شخص هم پیدا نشد که فتوای ملای بی دانش و بی معرفت که بدون محکمه که مخالف قانون جزای مملکت و مغایر شئونات مذهبی و فرهنگی کشور است مردم را از این رسوم ناپسند بر حذر دارد .

گرچه در بعضی از وبسایت های افغانی این ویدیو نشر شد ولی طوری که شاید ویاید از جانب اهل قلم و اندیشه باز تاب گسترده داده نشد که قابل تامل است و لی صرف موسسات حقوق بشر افغانستان و گروپ جنایت مقابل بشر در مورد این واقعه حیرت انگیز و گیج کننده به مقامات دولتی افغانستان پروتست و خواهان پی گیری جدی این جنایت از نگاه قانون شدند .

در بعضی از بخش های مملکت دین و مذهب را با رسوم و فرهنگ قبیلوی قاطی نموده و این نوع روش مطلق باوری مذهبی توسط ملاحی کم سواد و کج اندیش منطقه نیزحمایه و تشویق میشود بطور مثال بد دادن دختر که یکی از اعضای مرد فامیل قتل میکند و یا جنایت در مقابل یک فامیل دیگر انجام میدهد و نظریه فیصله چند نفر بزرگ قبیله به فامیلی که در حق آن جنایت صورت گرفته باید فامیل قاتل یک دختر مظلوم و بی گناه فامیل را به حیث کنیز به فامیل دیگر به اصطلاح خودشان بد بدهد و این دختر و ازگون بخت تا زنده است از سوی اعضای فامیل دیگر سوه استفاد جسی ، جنسی و روحی میشود و این روش در منطقه ای رواج است که از مذهب و هابی طالبان با سر و جان دفاع نموده و به این عمل خویش صبیغه اسلامی هم داده اند و ادعا دارند که بد دادن دختر صلح را به قبیله رونما ساخته و صلح آوردن یک حرکت اسلامی است . و اینکه یک موجود ضعیف قبیله و بی گنا برای آنکه دختر است بار جنایت یکی از اعضای فامیل را تا زنده است بدوش بکشد آنرا اسلامی میدانند . و رسوم دیگر ختنه دخترک های بی گناه است که آله تناسلی دخترک جوان را مصله میکنند تا دختر نتواند عمل جنسی را انجام دهد و این عمل کرد در بین فرهنگ قبیلوی بکلی مجاز است .

این چه نوع روش اسلامی است که خشونت در مقابل موجود ضعیف جامعه که دختر ولی یک انسان است انجام میدهند . چرا اوشخصی که قتل کرده سنگسار نمی شود ؟ چرا یک موجود ضعیف و بی گناه بنام یک انسان استفاد سوه قبیلوی میشود ؟ و این رسوم خشونت آمیز در زمان پیش از اسلام در اعراب بدوی رایج بود که دختران بی گناه را برای آنکه دختر است زنده بگور میکردند و بعد از گذشت هزار و چهار صد سال این خشونت طلبی و آشوب گری هنوز هم در جامعه ما مروج است .

ملاحی که این نوع فتوایدهند اینها همه مردمان بی سواد و یا کم سوادند که اول وظیفه چلی را در یک مسجد داشته که تاوه خانه مسجد را گرم نمایند و صحن مسجد را جاروب کند و بعد از گذشت یک زمانی ملای مسجد این شخص را به نظریه خوش خدمتی که در مسجد نموده به سمت طالب ارتقا بخشیده که وظیفه طالب در جامعه ما جمع آوری نان ملاحه از محل و گذر است و بعضا که ملا برایش یک مصروفیت پیدا شد طالب مسجد موقتا پیشنهاد شده و بعد از این اینکه ملا در گذشت همین چلی یا طالب ملای منطقه میشود و بعد از چند سال این ملا به مولوی راتقا

میبايد واهالی قبیله که بی سواد اند دست های ملا را بوسیده و از این مرد کم سواد وی دانش یک مرد روحانی میسازند و همین ملاها است فتوای سنگسار یک انسان را صادر میکند .  
اهل بصیرت و دانش با نیست روی این نقیضه اجتماعی تمرکز نموده و توسط قلم و اندیشه های مثبت به مقابل این نوع جهالت مجادله کنند سعی کنند که در کردار و پندار جامعه ما تغییرات آورده و به منظور مصالح همگانی مردمان ما را از آشوب گری , پشخار گری و خود نگری نجات دهند.

پایان

---

د پانو شمیره: له ۲ تر ۲

افغان جرمن آنلاین په درښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادښت: دلپکنې د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هبله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په ځیر و لولئ